

کلام رهبر



ضوابط شرکت‌های دانش بنیان را نیایستی کاست

در مورد شرکت‌های دانش بنیان هم ضوابط شرکت‌ها را نیایستی کاست. مراقبت کنید که ضوابط شرکت‌های دانش‌بنیان ضوابط بالایی باشد. این‌جور نباشد که ما فقط عدد را اضافه کنیم. بودجه علم و فناوری نباید کم بشود، باید افزایش پیدا کند؛ البته گفتند دوستان به من که این صندوق نوآوری مشکل دارد؛ من آن شاه‌الله سفارش خواهم کرد، تا کنید خواهم کرد که این مشکل برطرف بشود. البته منابع مالی هم بایست در دست مدیریت بشود. یک نکته دیگر در مورد مقالات علمی است. خوشبختانه ما از لحاظ عدد مقالات، سطح بالایی داریم؛ منتها این کافی نیست بلکه باید بگوییم این دارای اهمیت زیاد هم نیست، آنچه مهم است کیفیت مقالات است. آن‌طور که من شنیده‌ام و به من گزارش شده، در زمینه مقالات از لحاظ کیفی وضع ما خیلی خوب نیست؛ بایستی رشد پیدا کند و به جای افزایش عدد مقالات، ارتباط مقالات با مسائل کشور مورد توجه قرار بگیرد که البته این در زبان بعضی از دانشجویهای عزیز ما هم بود؛ خودشان به من گفته‌اند، عقیده ما هم همین است که بایستی مقالات علم و پژوهشی در خدمت نیازهای کشور قرار بگیرد و این نیازها هم برای نخبگان تبیین بشود؛ خیلی از نخبگان ممکن است نیازهای کشور را آنچنان که هست ندانند. نکته بعدی در مورد مسئله نخبگان و بنیاد نخبگان و مانند اینها این است که به فعالیت‌های فرهنگی در بنیاد اهمیت داده بشود. این خیلی مسئله مهمی است. ما این را باید توجه کنیم که فناوری همراه با خودش فرهنگ می‌آورد، فناوری حامل فرهنگ است، این را نمی‌شود ندیده گرفت. ما وقتی فناوری را از دیگران فرستیم، در واقع فرهنگ آنها را هم آورده‌ایم. درست است که ما در پی استقلال فناوری هستیم – در این تردیدی نیست و این باید تحقق پیدا کند– اما بالاخره این مثل ظروف مرتبطه است؛ در همه زمینه‌ها دیده‌استن است، بنابراین ما به مسئله فرهنگ بایست اهمیت داد.

۲۶ مهر ماه ۱۳۹۶

تربویون دانشجویی

خوابگاهی در ۱۰ کیلومتری شهر!

رضامهرجو*

دانشگاه‌ها معمولاً باید در میان شهرها و در میان مردم باشند تا اولاً محیط نخبگانی دانشگاه روی مردم تأثیر بگذارد و از طرفی هم دانشگاهیان از مردم احساس تافته جدا یافته بودن نداشته باشند و بتوانند مشکلات و دردهای جامعه را درک و برای حل مشکلات جامعه چاره‌اندیشی کنند. دانشگاه پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی سمنان در اطراف شهر سرخه واقع شده‌است؛ دانشگاهی که فاصله

آن با مرکز شهرستان سرخه بیش از آن است که بتواند روی مردم شهر تأثیر بگذارد یا آنکه مشکلات جامعه را درک کند و به حل آنها بیندیشد و از طرفی باعث شده دانشجویان و دانشگاهیان این دانشگاه در یک محیط کوچک محصور شوند و نتوانند ارتباطی مؤثر با جامعه داشته باشند. موضوع بعدی که دانشجویان این دانشگاه با آن از کیفیت آن درگیر هستند و به نوعی به مطالب بالا مربوط است، مسئله خوابگاه «تدبیر و امید» است. وزیر بهداشت دولت «تدبیر و امید» در اواخر سال ۹۵ اقدام به افتتاح خوابگاه‌های «تدبیر و امید» نمود. خوابگاه‌های ۴۰۰ نفره که نیمی از ظرفیت آن در پسران و نیم دیگر آن به دختران اختصاص یافته است و بر خلاف ظاهر جذاب و هتل گونه آن، امکاناتی کمتر از یک کمپ ترک اعتیاد دارد! دانشجویان ساکن خوابگاه تدبیر و امید بر خلاف ظاهر زیبای آن از کمترین امکانات خوابگاهی همچون گاز، سیستم سرمایش و گرمایش، اینترنت، تلویزیون و… بی‌بهره‌اند. علاوه بر مسئله امکانات ساده خوابگاهی دانشگاه پیراپزشکی در شهرستان سرخه، فاصله زیادی میان این مجموعه دانشگاهی و خوابگاه تدبیر

و امید با شهر سرخه وجود دارد و به نوعی می‌توان گفت دانشگاه پیراپزشکی کاملاً خارج از شهر واقع شده‌است به طوری که دانشجویان بابت این فاصله با مشکلات زیادی مواجه می‌شوند. نزدیک‌ترین مرکز خرید برای تهیه برخی امکانات اولیه با این خوابگاه حداقل ۱۰ کیلومتر فاصله دارد و هیچ گونه وسیله ایاب و ذهابی برای این امر پیش‌بینی نشده است. علاوه بر وضعیت دانشگاه و خوابگاه‌های آن، کیفیت غذای دانشگاه پیراپزشکی سرخه بسیار پایین است و همین موضوع باعث شده که دانشجویان به مسئولان دانشگاه اعتراض‌های فراوانی داشته باشند و به علت اینکه کرم در غذای یکی از دانشجویان پیدا شد انتقادهای دانشجویان به یکباره تبدیل به اعتراض عملی شد که موجب شد دانشجویان از خوردن غذا سرباز زند و غذای خود را به نشانه اعتراض در یکی از راهروهای دانشگاه بچینند. مسئولان دانشگاه پس از این مسئله با نشست‌هایی که با دانشجویان برگزار کردند به بررسی مشکلات دانشجویان پرداختند و به گالیه‌های دانشجویان گوش کردند و حتی برای بهبود کیفیت غذای سلف سرویس دانشگاه سرآشپز را نیز تغییر دادند ولی با این حال به نظر می‌رسد مسئولان استان و دانشگاه برای دانشگاه پیراپزشکی شهر سرخه که خود را مدعی وابستگی به رئیس‌جمهور می‌داند و همه چیز آن بر اساس شعاری دولت نامگذاری می‌شود، باید تدابیر بهتری بیندیشند.

دانشجو دانشگاه پیراپزشکی سرخه

دانشگاه

نقش کمرنگ تشکل‌های دانشجویی در صدور پیام انقلاب

تشکل‌های دانشجویی، انقلاب را زندانی کرده‌اند!



گزارش یک حسن رضایی

عکس: تسنیم

بحث بر سر استراتژی جدید ترامپ در قبال ایران و سرانجام برجام، این روزها مهم‌ترین موضوع قابل طرح در فضای عمومی کشور است. از آن سو، با اجرای قریب‌الوقوع قانون کاتسا توسط دولت امریکا، چالش‌های بانکی فی مابین نهاد‌های داخلی کشور احتمال در ماه‌های آینده افزایش خواهد یافت. دشمن مشخصاً قصد دارد ضمن استفاده از فرصت دو ماهه بررسی برجام در کنگره برای فشار بر دولت ایران، همزمان، با اجرای قانون کاتسا، افکار عمومی کشور را در برابر سپاه به عنوان مهم‌ترین رکن امنیت کشور قرار دهد. خلاصه آنکه، بر خلاف خلاف گوی‌های رایج در مورد ترامپ، او هرگز د یوانه نیست تا بخواهد اساساً از برجام خارج شود یا سه رویایی نظامی ما بر اینا بیندیشد! تیم ترامپ، با قدرت عاقله‌ای منسجم، در حال بازی با افکار عمومی ایران است.

در این مسیر اگر بخواهیم اعضای تیم ترامپ را فهرست کنیم، در شمارش آنها باید از چندین صفر استفاده کرد! لشکر عملیات روانی ترامپ، برای مغشوش کردن دستگاه محاسباتی مردم، امینا و انجیا هستند، همانطور که در دوران اواما اینچنین بوده است. ما اما ظاهر آلتیازی به

گزارش ۲ محمد فرهادی

دیپلماسی علم و فناوری؛ فرصت‌ها و تهدیدها

ارتباط با غرب دستاورد چشمگیری برای صنعت ما نداشت

آن باشد که ما جهان را چیزی فراتر از غرب و کشورهای غربی تصور کنیم و ظرفیت‌های بی‌ظنیر موجود در اجلاس سران سازمان همکاری اسلامی در حوزه علم و فناوری را بهتر ببینیم. همکاری ایران با کشورهای اسلامی در حوزه علم و فناوری، علاوه بر آنکه خواهد توانست آرزوئی و اشتغالی قابل توجهی برای کشور مادر بر داشته باشد، می‌تواند در رفع نیازهای حیاتی صنایع مهم کشور نیز راهگشا باشد. مزیت دیگر همکاری علمی و فناوری با کشورهای اسلامی، در امان بودن از بدهی‌های مسوق به سابقه کشورهای غیراسلامی در این حوزه خواهد بود.

نهادینه شدن دیپلماسی علمی بین کشورهای اسلامی بر خلاف آنچه به نظر می‌رسد، می‌تواند در اتخاذ مواضع سیاسی یکسان کشورهای در زمینه مسائل مهم دنیای اسلام نیز بسیار مؤثر باشد چراکه همکاری‌های مشترک علمی تدریجاً منافع اقتصادی مشترک را ایجاد خواهد نمود و مواضع سیاسی دولت‌های اسلامی را خواهد بود. یکدیگر نزدیک خواهد کرد. مسئله البته منحصر در کشورهای اسلامی نیست. دکتر سورنا ستاری معاون علمی و فناوری رئیس‌جمهور پس از حضور اجلاس آستانه، طی یادداشتی در همین زمینه نوشته است: «کشور ما به‌دلیل پیشرفت‌های قابل توجه در حوزه‌های علمی و فناوریانه، توسعه شرکت‌های دانش بنیان و نوآور ایران از ذخیره عظیمی برای توسعه اقتصادی و فناوریانه برخوردار



اسمی از تشکل‌های دانشجویی ایرانی شنیده‌اند. بیابیه‌های تشکل‌های دانشجویی ما همواره تنها به زبان فارسی نوشته می‌شود چراکه فعالان دانشجویی اهمیتی برای مخاطب غیرفارسی زبان قائل نیستند. در این فضا، بعید است حتی یک اتحادیه دانشجویی شماره تماس یا ایمیل حداقل یکی از خبرنگاران پرس تی‌وی را بدانند! چراکه ظاهراً نیازی به اینگونه ارتباطات در بدنه فعالان دانشجویی حس نمی‌شود. نتیجه این می‌شود که انقلاب را بر خلاف تصریح مؤکد امام(ره)، محدود به ایران کرده‌ایم، ولی هوا برمان داشته است که در حال صدور انقلاب هستیم.

ظواهر ما معتقدیم افکار عمومی غرب بایستی به صورت اتوماتیک حقانیت حرف انقلاب اسلامی را درک کنند و پس از یادگیری زبان شیرین فارسی، به صورت خودجوش مسابقه کنایه‌خوانی جلد ۲۱ صحیفه امام(ره) را در محله خودشان برگزار کنند. ما ممکن است این حرف‌ها را به زبان نیاوریم، ولی چنین که معلوم است فعالان دانشجویی احساس فعالیت در جهت صدور انقلاب را دارند، ما منتظر هستیم هر چه زودتر چنین صحنه‌هایی را احتمالاً در کوچه پس کوچه‌های هامبورگ، میلان و لاس وگاس ببینیم! ظاهراً جریان دانشجویی کشور متسخماً در جهت صدور حرف انقلاب اسلامی به خارج از مرزهای ترسیم شده کشور احساس مسئولیتی نمی‌بیند. علل ایسن واقعیت تلخ و پراسیب می‌تواند متعدد باشد. با این حال، یک مسئله روشن است: با صدور بیابیه‌های فارسی و حصار کشیدن به دور انقلاب جهانی خمینی(ره)، افکار عمومی غرب تا همیشه با سیاست‌های خصمانه دولت‌های غربی علیه ما همراهی خواهد نمود. معلوم نیست کی قرار است تعبیری در وضعیت کنونی ایجاد شود. دانشجویانی که خود زیربنایی ترین نقدها را به عملکرد ساختارهای فعل و بیمار دولتی در حوزه‌های مختلف وارد می‌کنند، ظاهراً در این مسئله دانسته – ندانسته منظر خط‌شکنی ساختارهای بروکراتیک و حجیم دولتی – حاکمیتی هستند. مسئله‌ای که می‌توان آن را به فغانی بزرگ و شکافی عمیق تعبیر نمود. ششاداید از ۲۰ سال پیش تا کنون، تشکل‌های دانشجویی، نقش خود را تنها در دیپلماسی عمومی مسئله هسته‌ای به خوبی ایفا کرده بودند، حالا نه تنها مردم و نظام از این گرده عیور بهره بودند که فرآیند صدور حرف حق انقلاب اسلامی نیز با سرعتی چندین برابر شده بود. در این شرایط به نظر می‌رسد ما بر خلاف آنچه تصور می‌کنیم، خود انقلاب را در ایران محصور کرده‌ایم.

حرف استاد

وزیر علوم سیاسی نباشد!



دکتر سیدمصطفی مرعشی رئیس‌دانشکده علوم تربیتی و روشنفکشی دانشگاه چمران اهواز

نتیجه چنین وزیر ی نمی‌تواند عملکرد مطلوب و ایده‌آلی را در زمینه آموزش عالی داشته باشد.

نیاز است وزیر علوم منتخب، فردی باشد که بتواند در راستای منافع آموزش عالی از دولت امکانات بگیرد، همانگونه که در دولت یازدهم وزارت بهداشت به بهانه طرح‌ها و فعالیت‌های مختلف، توانست از دولت بودجه بگیرد و این وزارت سروسامان باید. اکنون سالیانی است که آموزش عالی کشور در جایی زند و بسرقت می‌کند، می‌توان گفت عملکرد وزیر علوم دولت قبل نیز کاملاً راکد و بدون تحرک علمی بوده و تحولی در آموزش عالی و نوآوری نداشته است. باید به موازات تولید علم، تولیدات علمی کاربرد نیز داشته باشند و تنها صرف تولید علم، به کار جامعه نمی‌آید. اکنون کسب رتبه ۶ تولیدات علمی ایران در دنیا، تنها از بعد علمی است اما از لحاظ کیفی، میزان به کار گیری تولیدات علمی و یافته‌ها در کارهای عملی در جامعه بسیار پایین است.

لذا وزیر آینده باید با به کار گیری خرد جمعی، راهکارهایی مصوب کند تا زمینه پیشرفت علمی و کیفی‌سازی تولیدات علمی در کشور را فراهم کند. اگر مسئله به کار گیری تولیدات علمی حل شود مشکل یکبارگی نیز به صورت خودکار حل خواهد شد. البته باید توجه داشت که روند کار آفرینی در دانشگاه‌ها در واقع به آموزش و پرورش بازمی‌گردد، چراکه دانشگاه دست پروده آموزش و پرورش است؛ یعنی ممکن است به صورت استثنا موجبات کار آفرینی برای برخی دانشجویان فراهم شود اما اگر این کار بخواهد به صورت ریشه‌ای انجام شود، باید از بدنه آموزش و پرورش آغاز شود.

روایت دانشجویی



ماجرای ساده سارا

سمیه عظیمی

نشست روی صندلی بوفه چشم‌هایش را بست تا نه آمدنی را ببیند و نه رفتنی را. بخار از روی چای کبسنی‌ای توی لیوان پلاستیکی داشت کمتر و کمتر می‌شد. آمدن سمیرا را هم ندید هر چند می‌توانست صدای پایش را از روی صدای باشه‌های بلند کفشش که آمدنش را

از بیشتر دانشجو‌ها متمایز می‌کرد، تشخیص دهد.

پلک‌هایش خود به خود به سمت بالا حرکت کردند و نیمه باز حدسش را به واقعیت تبدیل کردند. «سر کلاس که نیومدی. حالا هم که اینجا پیدات کردم. تو کجا؟ بوفه کجا؟» سمیرا اینها را گفت و با دست راستش صندلی کناری سارا را کشید و کیفش را با دست چپش روی میز گذاشت نشست و گفت:«حالا بی مقدمه تعریف کن چی شده! جاییت به یخ کرد.»

سارا دست از چشم‌هایش برداشت و پرسش میبش و پر از سؤال سمیرا خیره ماند. توی ذهنش به بر گه توی کیفش فکر می‌کرد که… «هی… کجایی سارا. داشتی می‌گفتی!» انگار که برق از چشمان سارا بریده باشد، پلک‌هایش با ضرب به هم خوردند و حواسش دوباره به سمیرا جمع شد. گفت: «هان؟!» «ساعت خواب؛ ده دقیقه است اینجا نشستم تا توضیح بدی چرا بپو غنبت زد و حالا هم اینجا بی! به چی فکر می‌کردی؟» میبش دقیقاً بگی چی شده؟»

سارا دست ت روی کیف سبز فسفری‌اش و بر گه سفید آزما یبگاه را گذاشت روی میز. سمیرا گفت: «این چیه؟» و سارا شانه‌ای بالا انداخت و گفت: «هند بدبختی من!»

سمیرا که تعجبش دو برابر شده بود، دستش را از زیر چانه‌اش برداشت و لیوان چای را کنار زد. بر گه سفید را برداشت و لایش را باز کرد.

«چی؟ از مایبشت میتبه؟»

چشم‌های سارا که تا حالا خیلی خنثی سمیرا را نگاه می‌کرد بر آب شد و پلک‌هایش بسته شدند. دست‌هایش را گذاشت روی میز و سرش را هم میانشان.

«به. به مبارک خنوم. دختره یا پسر؟»

سارا آهسته و آرام سرش را از روی دست‌هایش آورد بالا. چانه‌اش را جا داد روی ساق دستش و گفت: «مبارک چیه؟ استراحت مطلق.»

در دلدشان که تمام شد، سمیرا بهترین راه‌حل را در راضی کردن استادها برای نیامدن سر کلاس و فقط امتحان دادن پایان ترم دید.

اما مگر می‌شد شش هفت استاد را راضی کرد که سارا سر کلاشان نرود…

سمیرا گفت که به هر حال مجبورند چون مرخصی آن هم ترم آخر، کار عاقلانه‌ای نیست. آن هم با وجود بجه‌ای که وقتی به دنیا بیاید اصلاً مجالی برای آمدن سر کلاس برای سارا نخواهد گذاشت.

رفتن سر کلاس و گفت‌وگو با اساتید یک هفته‌ای طول کشید. هر که‌امشان بالاخره به طریقی راضی شدند اما استاد کامیاب زیر بار نرفت.

از دم در کلاس تا اتاق اساتید دو سه طبقه‌ای با په پای استاد کامیاب راه رفتند تا راضی‌اش کنند. اتفاقی که داشت شرایط جسمی سارا را بدتر می‌کرد. نرسیده به اتاق اساتید بالاخره راه رفتن توی پله‌ها کار خودش را کرد و رنگ از روی سارا رفت و کف زمین نشست. سمیرا با ترس و لرز زیر بازوی سارا را گرفت و خودش هم کنارش نشست. استاد که حال و اوضاع سارا را دید با اندکی نگرانی گفت شما لازم نیست سر کلاس بیاید اما برای امر نه‌رمانی از من انتظار ی نداشته باشید.